



ظاهراً از اوایل حکومت اسلامی، همواره نهادی به منزله دبیرخانه، یکی از اساسی‌ترین قسمتهای سازمان اداری حکومتها بوده است. وظایف متنوع «کاتب» را در این سازمان به راحتی می‌توان دریافت، ولی محدوده دقیق این وظایف هنوز مبهم است. در جهان عربی - اسلامی برای کلیه کسانی که وظیفه تدوین متون و فرمان‌های رسمی صادره از جانب حکومت مرکزی را به عهده داشته‌اند، اصطلاح «کاتب» به کار برده شده است؛ ولی معلوم نیست که در اوایل حکومت اسلامی این واژه اشاره به نویسندگی در معنای ادبی آن داشته باشد.^۱ مراجعه به متون زبان عربی به عنوان مستندات این تعریف، اهمیت مسأله را نمایان می‌سازد. مثلاً می‌دانیم که دبیران شرقی در زندگی فرهنگی زمان خود، و خصوصاً در مجامع درباری نقش فعال و مؤثری داشته‌اند.^۲

۱. در مورد کتابت در اندلس در دوره امویان که به نوعی مشابه منصب خازن مهر بوده است نگاه کنید به:

E. Lévi-Provençal, L'Espagne musulmane au X^e siècle: institutions et vie sociale, Paris, 1932, pp. 69-71; Id. Histoire de l'Espagne musulmane, nouvelle édition revue et augmentée, Paris-Leyde, 1950-53, 3 vols., III, pp. 22-29.

۲. در مورد کاتب در عصر خلافت به مقاله و «Katib» نوشته D. Sourdel و R. Sellheim در جلد ۴ دائرة المعارف اسلام (E. V.) رجوع شود و درباره کاتب در عهد اعراب اسپانیا، دوران ناصری به: R. Arié, L'Espagne musulmane au temps des Nasrides (1232-1492), Paris, 1973, pp. 209-12.

درباره کاتب در افریقای شمالی به:

J. F. P. Hopkins, Medieval Muslim Government in Barbary until Sixth Century of the Hira. Londres, 1958, pp. 11-14.

و درباره کاتب در افریقای به:

F. Dachraoui, Le Califat fatimide au Maghreb (296-362/909-973), Histoire politique et institutions, Tunis, 1981, pp. 310-14.

۳. در این باره به مقاله زیر نگاه کنید: J.E. Bencheikh, «Les secrétaires: poètes et animateurs de cénacles aux II^e et III^e siècles de l'Hégire. Contribution à l'analyse d'une production poétiques», Journal Asiatique, 263(1975), pp. 265-315 حوصراً 265-67.

تاریخ کتابت و کُتاب اندلس در عهد امویان

(قرن ۲-۳ ق / ۸-۱۰ م)

محمد موآک*

مترجم: زهرا شادمان ولوی**

چکیده: دیوان‌خانه یا به اصطلاح امروزی «دبیرخانه» همواره یکی از اساسی‌ترین بخش‌های ساختار سازمانی و اداری حکومت اسلامی بوده است؛ و کاتبان دیوانی نیز از جایگاه بالایی برخوردار بوده‌اند. مؤلف در این مقاله سعی نموده مفهوم واژه «کاتب» و کتابت را بر اساس متون قدیمی عربی و نقد و تفسیرهایی که بر آنان نوشته شده روشن نماید، سپس به جایگاه کاتبان مختلف و وظایف هر یک از آنها در قلمرو حکومت امویان در اندلس پرداخته است. مقاله با بررسی انواع دبیرخانه در دوره حاکمان مختلف در مغرب اسلامی، خاصه کشور اندلس (اسپانیا) پایان می‌گیرد.

کلید واژه: کتابت؛ کاتبان؛ اندلس.

* مشخصات مقاله چنین است:

Mohamed Meouak, «Histoire de la Kitāba et des Kuttāb en al-Andalus Umayyade (2^e/VIII^e - 4^e / X^e siècles)», *Orientalia Suecana*, vol. XLI-XLII (1992-1993), pp. 166-180.

** مادرید (اسپانیا).

*** دکترای ادبیات تطبیقی، فوق لیسانس کتابداری.

۱. کتابت در حکومت مرکزی امویان اسپانیا

از عصر امارات در اسپانیا، منصب "کاتب" از جمله مناصب کاملاً جا افتاده و نظام یافته در سازمان اداری قرطبه بوده است. کاتب اسپانیایی در حکومت امویان اسپانیا نیز مانند همتای شرقی خود مسئول تدوین متون رسمی بوده است. با این وجود، اشاره‌های نادری که در آثار نویسندگان عرب - اسپانیایی به صاحبان این منصب و مسئولین این خدمت دیده می‌شود، حکایت از آن دارد که تعداد این اشخاص در اندلس به مراتب کمتر از همکاران شرقی آنان بوده است.^۱ اشاره‌های اندک به "کتاب" را در متون اندلسی به دو وجه می‌توان توجیه کرد: یکی آنکه تصور شود حکومت قرطبه، کمتر از حکومت عباسیان به کاتبان نیاز داشته است و دیگر آنکه احتمال دارد وظایف منشی‌گری به کسانی سپرده می‌شده که لزوماً لقب "کاتب" نداشته‌اند. کما اینکه قسمت‌هایی از تاریخ ابن عذاری مؤید این استنباط است. این وقایع‌نگار می‌گوید: امیر محمد اوک، منصب کتابت والا را به عبدالملک بن عبدالعزیز بن امیه واگذار کرد تا برای او درآمدی "عمادی" ایجاد نماید.^۲ بر این مبنا، احتمال واگذاری منصب "کتابت" به افراد، بدون آنکه برای انجام وظایف مربوطه آموزشی دیده باشند نیز وجود داشته است. ابن عذاری در ادامه همین بخش از نوشته خود آورده است که این صاحب‌منصب، برای انجام وظایف خود از همکاری چندین کاتب برخوردار بوده تا نقایص کاری او را برطرف کنند.^۳

در منابع و متون، اغلب به سبک، هنر نویسندگی و رفتار اجتماعی کاتب پرداخته‌اند، اما در مورد نقش آنها در اداره امور حکومتی توضیحات چندانی نداده‌اند.^۴ به عنوان مثال در دانشنامه ادبی ابن عبدربه [العقد الفرید] نویسنده قرطبه‌ای (متوفی ۳۲۸ ق / ۹۴۰ م)، تمام توجه، معطوف به توصیف خصوصیات ادبی لازم برای انجام وظایف "کاتب" است که "چشم و گوش و زبان حاکم" می‌باشد.^۵ که البته این توضیح بیانگر کلیه عوامل اساسی و لازم حرفه و مسئولیت کاتب است. اطلاعات برگرفته از کتاب *الکتاب* عبدالله بن عبدالعزیز بغدادی با آنچه ابن عبدربه آورده تفاوت کیفی قابل توجهی دارد.^۶ در واقع، این نویسنده دوره عباسیان که در اوایل قرن ۳ ق / ۹ م می‌زیسته، در این اثر علاوه بر ارائه دستنامه‌ای برای راهنمایی منشی‌ها که از نظر متن بسیار غنی است، فهرستی از کاتبان و رساله‌ای در باب آموزش و تعلیمات لازم برای کاتب و نقش او؛ و بالاخره رساله‌ای در باب ریشه لغت "وزیر" آورده است.^۷ از دیگر منابع شرقی، باید از *مفاتیح العلوم* ابو عبدالله خوارزمی، نویسنده قرن ۴ ق / ۱۰ م نام برد. به کمک این اثر، کم و بیش می‌توان به بعضی جنبه‌های فنی کار منشی‌گری پی برد و نقش انواع منشی‌ها و دبیرخانه‌ها را در شرق و اندلس مورد مقایسه قرار داد.^۸ بر عکس، *اعتاب الکتاب* اثر ابن آبار، (۵۹۵-۶۵۸ ق) نویسنده اهل بلنسیه، گرچه ظاهراً اثری برای تجدید اعتبار حرفه منشی‌گری است، اما اطلاعات ناچیزی در مورد خصوصیات "کتابت" در معنای اداری آن به دست می‌دهد.^۹

۴. درباره اهمیت احساسی و جنبه تقدس نوشتن، در اوائل حکومت اسلامی نگاه کنید به:

Rosenthal, "Significant uses of Arabic writing", *Ars Orientalia*, 4 (1961), pp. 15-23.

۵. العقد، ۵، ص ۱۷۱.

۶. اطلاعات مندرج در این مأخذ، در مقاله زیر مورد بررسی قرار گرفته:

D. Sourdel, "Le livre des secrétaires de 'Abdallāh al-Bagdadī, Kitāb al-Kuttāb", *Bulletin d'Études Orientales*, XIV (1952-54), pp. 115-153.

۷. به مقاله Sourdel مندرج در بالا، صفحات ۱۱۶ تا ۱۱۷ نگاه کنید. برای نحوه ارائه متن به زبان عربی صفحه ۱۲۸ الی ۱۵۳، فهرست کتاب ص ۱۳۸ و بالاخره ریشه‌شناسی واژه "وزیر" ص ۱۴۳.

۸. اطلاعات مندرج در این مأخذ، در مقاله زیر مورد بررسی قرار گرفته:

C. E. Bosworth, "Abū 'Abd Allāh al-Khwārazmī on the technical terms of secretary's art: a contribution to the administrative history of medieval Islam", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, XII/ 2 (1969), pp. 113-64.

C. E. Bosworth, "Administrative Literature", in M. J. L. Young, J. D. Latham and R. B. Serjeant eds.: *Religion, Learning and Science in the 'Abbasid Period*, Cambridge, 1990. III, pp. 155-67.

در صفحات ۱۶۱ الی ۱۶۳ درباره خصوصیات یک کاتب کامل، توضیحات روشنگری آمده است.

۹. در *اعتاب*، ص ۴۴ الی ۴۸، این نویسنده اهل بلنسیه طرح کلی کتاب خود را می‌آورد.

۱۰. R. Lévy, *The Social Structure of Islam*, Cambridge, 1969, pp. 271-354. برای مقایسه سازمان اداری شرق (اموی و عباسی) به کتاب: A. Gherseti, "Kuttāb e kitāba: il modello antimodello nella letteratura del primo periodo abbaside",

و برای نقش دبیران در شرق عیسی به مقاله: A. Gherseti, "Kuttāb e kitāba: il modello antimodello nella letteratura del primo periodo abbaside", که در آن نقش دبیران بر مبنای آثار جاحظ و ابن قتیبه مطالعه شده، رجوع شود. *Annali di Ca' Foscari*, XXX/1(1992), pp. 51-70.

۱۱. *البيان*، ۲، ص ۱۰۷ - ۱۰۸ / ۱۷۶ - ۱۷۷.

۱۲. *البيان*، ۲، ص ۱۰۸ / ۱۷۷.

کتابت^{۱۳} به دو بخش تقسیم می‌شد. وظیفه و مسئولیت اصلی و مهمتر به عهده کاتب الرسائل^{۱۴} یا دبیر مکاتبات رسمی بوده است. در تاریخ ابن حیان (متوفی ۴۶۹ ق/ ۷۷-۱۰۷۶ م) اطلاعاتی مربوط به این قسمت یافت می‌شود که آن را معادل کتابه العلیا^{۱۵} یا دبیرخانه عالی می‌داند، و عنوان صاحب منصب مسئول نوشته‌های رسمی کاتب الرسائل^{۱۶} ضبط نموده است. به علاوه، در مجموعه اطلاعات استخراج شده توسط مقری، از دبیری با نام کاتب الضمان^{۱۷} یاد شده است که مسئول مالیه عمومی است. با همه اینها در وقایع نگاریها، هیچ توضیحی در مورد وظایف کم اهمیت تری که بر عهده قسمت کتابت^{۱۸} بوده نیامده است. احتمال می‌رود این بخش از وظایف در دوره‌های بعدی، احتمالاً در عصر مرابطین به عهده کتابت^{۱۹} گذاشته شده باشد. لازم به یادآوری است که سابقه دخالت دبیران در امور ممیزی و خراج در حکومت اسلامی به عهد امویان دمشق می‌رسد.^{۲۰}

در ادامه، به گفته ابن سعید (۶۱۰-۶۸۵ ق)، کاتب اسپانیایی - اموی، باید همانند هم‌تای شرقی خود، با هنر نامه نگاری در حد کمال آشنایی داشته باشد و دارای معلومات وسیعی در زمینه‌های گوناگون، مانند حقوق، تاریخ و ادبیات باشد.^{۲۱} هیچگونه ضعفی در زمینه نگارش بخشوده نمی‌شده است. به گفته ابن سعید اندلسی‌ها دبیران را به سادگی کاتب^{۲۲} می‌خواندند، با این تعبیر که او کسی است که توانایی نگارش دارد. این خصوصیات اساسی را می‌توان با مطالب مندرج در مقدمه کتاب آداب الکاتب ابن قتیبه (۲۱۳-۲۷۶ ق) مقایسه کرد.^{۲۳} ابن قتیبه به

بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسئولین کتابت^{۲۴} بی‌آنکه توانایی و صلاحیت این مقام را داشته باشند منصوب می‌شده‌اند؟ در اینجا تصریح کنیم که حمایت از خانواده‌های صاحب منصبان عالی رتبه، در بیت^{۲۵} امویان اسپانیا، اهمیت بسیار داشته است. مثال بالا یکی از مصادیق بارز آن است که با سیاست حمایت از اطرافیان و اعضای طبقه اشراف «خاصه» و صاحبان مناصب در حکومت قرطبه هماهنگی کامل دارد.^{۲۶}

در جهان عرب مسلمانان، منصب منشی‌گری، در وهله اول، وابسته به سازمان اداری دفاتر دیوان^{۲۷} بوده است و تصور می‌رود همین منصب را در اندلس کتابت^{۲۸} نامیده باشند.^{۲۹} ایجاد این بخش، در سازمان حکومت مرکزی، برای انجام وظایف مشخص و معینی صورت گرفته بود، از آن جمله است بخش‌های تابعه «خطاط الکتابه»، «صناعات الکتابه»، یا «خدمه الکتابه»^{۳۰} از همان اوان کاتب که از همکاران نزدیک حاکم بود، از دو امتیاز ویژه برخوردار می‌شد: یکی تدوین مجموعه مکاتبات دیوانی و دیگری نوشته‌های بیت حاکم. با وجود این، متون مربوط به وقایع تاریخی عصر امویان اسپانیا در مورد خصوصیات و کیفیت دقیق وظایف کاتب^{۳۱} چندان روشن‌گر نیست. به همین دلیل برای یافتن تصویری از جنبه‌های مختلف وظایف صاحب این منصب، سعی کرده‌ایم از نوشته‌های مؤلفین متأخر استفاده کنیم.

ابن مقری (متوفی ۱۰۳۰ ق/ ۲۱-۱۶۲۰ م) به نقل از ابن سعید (متوفی ۶۸۵ ق/ ۱۲۸۶ م) می‌نویسد: وظایف

۱۳. نمونه دیگری از این برخورد در مقاله زیر یافت می‌شود:

M. Meouak, "Notes historiques sur l'administration centrale les charges et le recrutement des fonctionnaires dans l'Espagne musulmane (2^e/VIII^e-4^e/X^e Siècles)", *Hespèris-Tamuda*, XXX/1(1992), pp. 9-20 خصوصاً 10-12.

۱۴. در مورد سازمان کلی اداری و مخصوصاً دیوان^{۱۵} به مقاله در "Diwān" در جلد ۲ دائرة المعارف اسلام (E.I) نوشته A. A. Duri و سایرین صفحات ۳۲۲ تا ۳۲۷ رجوع گردد، خصوصاً بخشی که G. S. Colin در این مقاله در صفحات ۳۲۱ تا ۳۲۲ آورده است و مربوط به اندلس در عصر حکومت امویان و عرب مسلمانان است.

۱۵. در مورد این سه اصطلاح به اصطلاح نامه این مقاله رجوع شود.

۱۶. در مورد این چهار اصطلاح به اصطلاح نامه این مقاله رجوع شود. برای تشکیلات ضمان^{۱۷} به کتاب:

F. LQkkegaard, *Islamic taxation in the classical period with special reference to circumstances in Iraq*, Copenhagen, 1950, pp. 148-49.

J. B. Simonsen, *Studies in the Genesis and Early Development of the Caliphal Taxation System*, Copenhagen, 1988, pp. 79-131. در این اثر روش مالیاتی کشورهای اسلامی در اوایل دوران حکومت اسلامی (خصوصاً در مصر و فلسطین) مطالعه شده است.

Ch. Pellat, *Le milieu basrien et la formation de Ġāhiz*, Paris, 1953, pp. 226-27.

17. E. Lévi-Provençal, op. cit (1950-53) III, pp. 5-6.

۱۸. رجوع شود به:

۱۹. نفع الفیبه، ۱، ص. ۲۱۷. می‌توان مقایسه‌ای نمود با نمونه شرقی همین موضوع که در مقاله زیر ارائه شده:

J. Sadan, "La littérature vue par un administrateur frustré", *Studia Islamica*, LXXI (1990), pp. 29-36.

۲۰. منبای این تحقیق متن مجهول المؤلفی است با عنوان سیاست الملوک به تاریخ اواسط قرن ۴ ق/ ۱۰ م و در آن مباحثه بین صاحب منصبان ادبی (کتاب) و اداری را می‌یابیم.

۲۱. نگاه کنید به تحقیق:

G. Lecomte, "L'introduction du "Kitāb adab al-Kātib" d'Ibn Qutayba", *Mélanges Louis Massignon*, Damas, 1957, III, pp. 45-64. در مورد این نویسنده شرقی نیز به مقاله‌ای که همین نویسنده با عنوان "Ibn Kutayba" در دائرة المعارف اسلام (E.I) جلد ۳، صفحات ۸۶۵ تا ۸۷۱ نوشته است، رجوع شود.



تدوین کتاب راهنمایی در باب خصوصیات دبیر کامل در قرن سوم پرداخته و در آن معایب سازمان اداری عباسیان را به شدت مورد انتقاد قرار داده است.^{۲۱} در تمام طول مقدمه که به "کتاب" اختصاص دارد، ابن قتیبه، بی فرهنگی دبیران و بی اطلاعی آنان را از امور اداری نکوهش می کند. این نمونه که البته نسبت به دوران ابن سعید، متأخر است، مسأله تعلیمات صاحبان مناصب را به طور کلی و کتاب را به طور خاص مطرح می کند. می دانیم که اکثر وزرای عباسیان از میان دبیران برگزیده می شده اند و به همین مناسبت از آنان توقع بصیرت و خبرگی می رفت.^{۲۲} عبدالله بن عبدالعزیز بغدادی از حرفه "کاتب" ستایش فراوان کرده به گونه ای که هنگام بر شماری وظایف متنوعی که بر عهده آنان است از کسانی که افتخار انجام وظایف دبیری را دارند نام می برد.^{۲۳} سرانجام در زمینه تعلیمات و اخلاق حرفه ای "کتاب" برخی نویسندگان شرقی قبلاً بدان توجه کرده اند، اما اکثراً این توجه برای انتقاد بوده است. از جمله این نویسندگان، قاضی است که گویا نویسنده کتاب ذم اخلاق الکتاب یعنی نقد اخلاق دبیران می باشد.^{۲۴}

خاصی که صلاحیت کتاب را تعیین کند سخن رفته است. در باب وظایفی که این دبیران بر عهده داشته اند نیز مطلب چندانی یافت نمی شود.^{۲۵} چنین به نظر می رسد که در چارچوب سازمان اداری، سازماندهی کتابت از اولویت چندانی برخوردار نبوده است. به عنوان مثال، ابن حیان (۳۷۷-۴۶۹ق) در باب توصیف اداره "دبیرخانه" به کوتاه ترین توصیف بسنده کرده است. با کمال تأسف توضیحات در باب مکاتبات دیوانی و مبادله مکاتبات سیاسی نیز در منابع عربی - اسلامی بسیار پراکنده است.^{۲۶} با وجود چنین فقر اطلاعاتی و با توجه به شرایط نامساعد سیاسی اواخر قرن سوم برای سازمان یافتن حکومت مرکزی، تنها به اختصار می توان وظایفی را که بر عهده "کتاب" بوده، بر شمرد.

منصب "کتابت" عمدتاً به اعضای خانواده های نخبگان سیاسی - اداری اسپانیایی - اموی اعطا می شده است. خاندان هایی نظیر بنو ابی عبده و بنو شهید. در دوران حکومت امیر عبدالله، عبیدالله بن محمد بن ابی عبده، تصدی این منصب را بر عهده داشته و ظاهراً خازن مهر هم بوده است، اما توانستیم سندی بر تأیید آن بیابیم.^{۲۷} از صاحب منصبان خاندان های بربر نیز کسانی بوده اند که منصب "کتابت" یافته اند، از آن جمله عبدالله بن محمد زجالی.^{۲۸} بیش از این، در مورد نقص متون در زمینه توصیف دقیق نقش، مسئولیتها و فعالیت "کاتب" تأکید نمی ورزیم و تنها

۲. کتابت و وظایف دبیران

از ابتدای استقرار حکومت امویان در اسپانیا، شاهد انتصاب و اشتغال "کتاب" در سازمان حکومت مرکزی هستیم. با این وجود، در متون عربی به ندرت درباره ویژگی های

21. G. Lecomte. op. cit. (1957), pp. 49-64.

۲۲. برای خصوصیات تخصصی وزرای عباسیان به مأخذ زیر نگاه کنید:

D. Sourdel, *Le Viziratl "abbaside de 749 à 936 (132 à 324 de l'Hégire)*, Damas, 1959-60, 2 Vols, I, pp. 115-16.

در باب ارتباط بین تعلیمات کتاب و تعلیمات وزرای عباسی نگاه کنید به:

R. A. Kimber. "The early abbasid vizierate", *Journal of Semitic Studies*, XXXVII/1(1992), pp. 65-85.

23. D. Sourdel. op. cit. (1952-54), pp. 115-16.

۲۴. این متن توسط Ch. Pellat ترجمه شده:

"Une charge contre les secrétaires d'état attribuée à Ġāhīz", *Hesperis*, XLIII (1956), pp. 29-50.

در باب فساد صاحبان مناصب و خصوصاً کتاب به مقاله زیر که بر اساس کتاب فرج بعد الشدة توخی تهیه شده رجوع شود.

A. Ghersetti. "Un tema sempre attuale: malgoverno e disonestà dei pubblici funzionari. Testimonianze nelle litteratura d'adab del X secolo", *Oriente Moderno*, LXX / 1-6 (1990), pp. 101-114.

۲۵. به عنوان مثال به البیان، ۲، ص ۷۴/۴۸ نگاه کنید که در آن هیچ یادی از "کتاب" در دوران امویان اسپانیا وجود ندارد، در حالی که در ص ۱۷۱/۱۵۵، نام ابن یزید کاتب عبدالرحمان اول آمده است.

۲۶. در مورد نامه ها و گزارشهای ارسالی نظامیان اسپانیایی - اموی به قرطبه نگاه کنید به:

M. Meouak "La biographie de Gālib lib, haut fonctionnaire andalus de l'époque Califale: carrière politique et titres honorifiques", *Al-Qanṭara*, XI/1(1990), pp. 95-112. خصوصاً 97-104.

۲۷. در مورد این شخصیت نگاه کنید به:

Š. Ahmad, "Usrat Abī 'Abda wa-dawruhā fī ta'rih al-Andalus fī 'ahd al-wulā wa-l-imāra (92 h.-316h.)", *Al-Bahī al-'Ilmī*, 35 (1985), pp. 49-99. خصوصاً 69-70.

M. Marin, "Orígenes de las familias de al-Andalus en la época omeya según la obra de Ibn al-Abbār: *al-Hulla al-Siyarā'*", *Ibn al-Abbar, Polític i escriptor àrab valencià*, Valence, 1990. pp. 237-47. خصوصاً 242.

۲۸. در مورد منصب او به کتابت، به اعتبار، ص. ۱۷۲-۱۷۴، البیان ۲، ص. ۲۶۳/۱۵۸ رجوع شود و ایضاً:

E. Lévi-Provençal. op. cit. (1950-53) II. p. 6.

شد که دفاتر گوناگون و تعداد زیادی کارمند داشت.^{۲۹} متون عربی قرن ۴ ق/ ۱۰ م، حکایت از وظایف تخصصی جدیدی دارد که به دو وظیفه اولیه این واحد اضافه شده است. این تحول شکل نظام اداری حکومت را به نظام حکومتی شرق در عهد عباسیان نزدیکتر کرد.^{۳۰}

در قرن ۴ ق/ ۱۰ م، شاهد سیاست جدیدی در مورد انتصاب کتاب هستیم. در حالی که مقامات اداری دیگر، مانند گذشته به عهده «موالی»ها گذاشته می‌شد که صاحب منصب‌هایی از تبار عربی - شرقی بودند، اما در مورد مشاغل دبیری چنین نبود؛ به عنوان مثال می‌توان از عبدالرحمن بن عبدالله زجالی^{۳۱} کتاب، از خاندان بنوزجالی نام برد. انتصاب این شخص، حکایت از تغییر سیاست خلیفه عبدالرحمان سوم دارد که برای تحکیم نقش کتاب، مسئولیت تدوین بیانیه رسمی برای محکوم کردن این مسره ملحد و پيروانش را به این شخص واگذار کرد.^{۳۲} بدون تردید سپرده شدن این گونه وظایف به کتاب، تحت تأثیر حکومت مرکزی و در چهارچوب اقدامات ساماندهی حکومت محلی صورت پذیرفته است. اما چگونه می‌توان اهمیت روزافزون مکاتبات رسمی بین قائد الاعلی غالب بن عبدالرحمن الناصر سوم و اوکین خلیفه اسپانیایی - اموی، و سپس الحکم دوم را تفسیر کرد؟ می‌دانیم که این سپهسالار در طول خدمت، مرتباً گزارش‌های جنگی را تدوین یا به احتمال قوی دیکته می‌کرده است.^{۳۳} اینکه او خود اقدام به نوشتن کرده یا کاتبی داشته که وظیفه نوشتن دفاتر کتب را به عهده داشته چندان روشن نیست، و همواره این سوال مطرح است که آیا غالب در مأموریت‌های جنگی، کاتب

به ذکر دو نکته بسنده می‌کنیم: از یک سو با تصویری که از مفاهیم کتاب و کتابت وجود داشته، به نظر می‌رسد حداقل در دوره حکومت امیران، اداره‌ای وجود داشته که مسئول آن، تدوین اسناد رسمی و تهیه متن فرامین حکومتی را عهده‌دار بوده است؛ از سوی دیگر می‌توانیم به احترام کتاب در جامعه عربی - اسپانیایی اشاره کنیم، احترامی که سبب شده وقایع نگاران در مورد جزئیاتی که می‌توانسته روشنگر نقش دبیران باشد به اختصار سخن گفته باشند. به عنوان مثال، مشاهده می‌شود که این حیوان هنگامی که از عبدالله بن محمد زجالی سخن می‌گوید، بدون هیچ توضیحی منصب او را کتابت ذکر می‌کند.^{۳۴} این گونه معرفی نشان می‌دهد که مسئولین کتابت از میان صاحب منصبان عالی رتبه برگزیده می‌شده‌اند. با چنین تعبیری بهتر است در مورد تفسیر لقب دبیری با احتیاط عمل کرد؛ آیا این لقب بدین معنی بوده که دارنده آن، منصب دبیری داشته یا آنکه علاوه بر مناصب دیگر دبیر هم بوده است؟ مورد دیگری که به نوعی، همین شکل تداخل مفهومی را ایجاد می‌کند، احمد بن محمد بن ابی عبده است که در متون مکرراً با لقب قائد از او یاد می‌شود. این شخص البته از سرداران سپاه قرطبه بوده ولی برای یادآوری مقام والای او در جامعه عربی - اسپانیایی بدو لقب قائد داده بودند.^{۳۵}

در اوایل حکومت عبدالرحمن سوم، هم تعداد کتاب رو به فزونی گذاشت و هم انواع آن. در حقیقت با تحکیم مبانی حکومت و تمرکز قدرت سیاسی و اقتدار حکومتی، نیازهای جدیدی رخ نمود. دبیرخانه تبدیل به بخشی از سازمان اداری

۲۹. در مورد این شخصیت به المقفی، ج ۲ ص ۳۲، تاریخ، ص ۸۷۱۵۴، بیان ج ۲ ص ۱۹۶/۱۲۰، ذکر، ص ۱۶۳/۱۵۳ و یادداشت شماره ۲۵ رجوع شود. ۳۰. در مورد این شخصیت رجوع شود به:

۳۱. به عنوان مثال به فهرستی از عزل و نصب‌هایی که در المقفی، در صفحات زیر آمده است نگاه کنید:

۸۵ - ۸۴ / ۹۷، ۹۳ - ۹۲ / ۱۹۱، ۵۵ - ۵۴ / ۲۵۲، ۱۵ - ۱۴ / ۲۱۴، ۸۵ - ۸۴ / ۳۸، ۳۸ - ۳۷ / ۲۳۷، ۱۵ - ۱۴ / ۳۱۴، ۵۰ - ۴۹ / ۲۴۹، ۳۲ - ۳۱ / ۳۳۰، ۶۷ - ۶۶ / ۲۶۶، ۵۶ - ۵۵ / ۳۵۴، ۸۳ - ۸۲ / ۲۸۲، ۷۸ - ۷۷ / ۳۷۶، ۹۳ - ۹۲ / ۲۹۲، ۳۹۰ - ۳۸۹ / ۳۱۲، ۱۷ - ۱۶ / ۴۱۶، ۲۱ - ۲۰ / ۳۲۰، ۳۰ - ۲۹ / ۴۲۸، ۳۷ - ۳۶ / ۳۳۶، ۴۴۸ / ۲۸، ۶۳ / ۳۳۷، ۴۶۱ - ۴۶۰ / ۳۵۳، ۷۲ - ۷۱ / ۳۷۰، ۶۸ - ۶۷ / ۳۶۶، ۹۰ - ۸۹ / ۳۸۴.

M. Meouak, op. cit. (1992), pp. 14-16. برای نحوه استخدام صاحب منصبان اسپانیایی - اموی نگاه کنید به:

۳۲. برای انواع دبیرخانه به اصطلاح نامه این مقاله نگاه کنید.

۳۳. به قطعات مربوط به او در المقفی، ۲، ص. ۳۳، و، اعتاب، ص ۱۹۰ نگاه کنید.

۳۴. در مورد این واقعه نگاه کنید به:

M. Cruz Hernández "La persecución anti-masarrí durante el reinado de Abd-al Raḥmān al Nāsir li - Dīn Allāh, según Ibn Ḥayyān", *Al-Qantara*, II (1981), pp. 51-67.

J. Vallvé, "El zaimedina de Córdoba", *Al-Qantara*, II (1981), pp. 277-318 خصوصاً 309.

در مورد چهره ابن مسره نگاه کنید به:

E. Lévi-Provençal "A propos de l'ascète philosophe Ibn Masarra de Cordoue", *Orientalia Suecana*, III/ 2-4 (1954), pp. 75-83.

R. Arnaldez, "Ibn Masarra", *E I²*, III, pp. 892-96.

۳۵. در المقفی، ۵، صفحات ۱۷۸-۱۷۷/۲۲۱ نمونه‌ای از این گزارش‌ها مربوط به دوران حکم دوم آمده است. این نامه رسمی به تاریخ اول ذی القعدة ۳۶۳ ق (۲۴ ژوئن ۹۷۴ م) است و توسط جعفر بن عثمان مصحفی به مناسبت فتوحات خلیفه کری در مقابل دشمن مغربی حسن بن قانون تدوین شده است.

خود را تثبیت کرده بود. این نویسنده در آثار خود قطعات متعددی را به طریقه نامه‌نگاری و ملاحظاتی که در آن باید مراعات کرد اختصاص داده است و فهرستی از اشتباهاتی که باید از آن پرهیز نمود گردآورده است.^{۳۸} مجموعه توصیه‌های او همگی به جنبه‌های ادبی نگارش باز می‌گردد و در واقع به اهمیت آشنایی کامل به زبان عربی ختم می‌شود.^{۳۹}

نوشته ابن سعید، حکایت از حضور "دیوان انشاء" در سازمان اداری حکومت اندلس در اوایل قرن ۵ ق / ۱۱ م دارد و می‌گوید سرپرستی "دیوان انشاء" با ابو خفص بن برد بوده است.^{۴۰} جامع‌ترین اطلاعات در باب نحوه تدوین متون رسمی را باید در نوشته‌های ابن بسام یافت. در بخشنامه‌ای که به نام نامی عبدالملک بن محمد بن ابی عامر المظفر صادر شده، ابن بسام علاقه خلیفه را به مراعات قواعد و ضوابط هنر نگارش در متون رسمی را به اطلاع کلیه مسئولین دفاتر و سازمانهای ایالتی رسانده است و بر اهمیت توجه به نحوه نگارش تأکید فراوان نموده است.^{۴۱} چنین توجهی گواه برفعال بودن سازمان اداری حکومت در قرطبه است، و می‌بینیم که با وجود همه مشکلات، قواعد و ضوابط خاصی برای انجام وظایف "کتابت" به نحو احسن، وجود داشته است. این کمال طلبی در انشاء اسناد دولتی، خصوصاً اسناد سیاسی و دیپلماتیک در نوشته‌های ابن احمر نیز منعکس است. ابن احمر نویسنده قرن ۸ ق / ۱۴ م، رساله مختصری با عنوان کتاب مستودع العلامه و مستبدع العلامه نوشته است. در این رساله مختصر که مختص "علامه" است سعی شده قواعدی برای برخی از اسناد رسمی تعیین گردد: دستنامه‌ای برای تعیین اعتبار، یا دستنامه معیار.^{۴۲}

یا کاتبانی همراه خود می‌برده است؟ البته احتمال دارد که این همراهان صاحب منصب "کاتب" نبوده باشند و فقط نویسنده‌های ساده‌ای بوده‌اند. بدین ترتیب می‌توان تصور کرد گزارشهای جنگی از طریق مسئول مکاتبات مرزی به مرکز منتقل می‌شده است. زیرا اکثر مأموریت‌های "غالب" در نواحی مرزی و حتی گاهی خارج از اندلس بوده است.^{۴۳} این تحولات جدید در مورد مبادله مکاتبات حکومتی را می‌توان به اصلاحاتی که سلف حکم دوم در سال ۳۴۴ ق / ۹۵۵ م، ایجاد کرد، مرتبط دانست. در گزارش‌های ابن عذارى مورخ از این اصلاحات بدین ترتیب یاد شده: «در این سال، الناصر "امور الخدمه السلطانية" را از نو سازمان داد و وظایف آن را بین چند وزیر تقسیم نمود: جعفر بن ابی عبده "الناظر فی کتب جامع اهل الخدمه" یعنی وزیر مسئول سرپرستی مکاتبات کارمندان؛ عیسی بن فطیس "الناظر فی کتب اهل الثغور و السواحل و الاطراف" یعنی وزیر مکاتبات نواحی مرزی، سواحل و ایالات دیگر؛ عبدالرحمان زجالی "الناظر فی تنفیذ کل ما ینخرج من العهود و التوقیعات و ینفذ به الامر و الرأی و غیر ذلک" یعنی وزیر مسئول اجرای عهدنامه‌ها و فرامین و هر آنچه که خود لازم تشخیص دهد؛ و محمد خدیر "الناظر فی المطالب الناس و حوائجهم و تجیز التوقیعات لهم" یعنی وزیر مسئول رسیدگی به شکایات و امور عامه و اجرای فرمانهای مربوطه».^{۴۴}

۳. انواع دبیرخانه در عصر خلافت

می‌دانیم که در دوران خلافت، در بسیاری از واحدهای اداری از خدمات دبیران برای بهبود کار استفاده می‌شده است. به گفته ابو عبدالله خوارزمی: هنر "انشاء" در شرق جایگاه

۳۶. درباره غالب بن عبدالرحمان الناصر سوم به یادداشت ۲۶ رجوع شود.

۳۷. البیان ۲، ص. ۶۶۰-۳۴۵/۲۲۰ (کمی در ترجمه E. Fagnan دست برده شده).

E. Lévi-Provençal. *op. cit.* (1932), p.70; *Id. op. cit.* (1950-53), III, pp. 24-25.

S. M. Imamuddin. *Some aspects of the socio-economic and cultural history of muslim Spain*, Leyde, 1965, p. 47.

C. E. Bosworth, *op. cit.* (1969), pp. 158-64.

۳۸. در مقاله زیر توصیه‌های عبدالله بن عبدالعزیز بغدادی در همین باره آمده است و می‌توان این توصیه‌ها را با هم مقایسه نمود:

D. Sourdel. *op. cit.* (1952-54), pp. 117-18.

H. Monés "Ibn Burd", *EF*², III, p. 762.

E. Lévi-Provençal. *op. cit.* (1950-53) III. P. 26.

و ص. ۱۳۰ که در مورد آشنایی کامل با زبان عربی است.

۴۰. المغرب، ۱، ص. ۲۰۴، درباره این شخص نگاه کنید به:

۴۱. الذخیره، ۱۸، ص. ۷-۱۰۵.

۴۲. درباره این رساله تحقیق زیر منتشر شده است:

J. D. Latham, "Ibn al - Ahmar's *Kitāb Mustawda' al- 'Alāma*: towards a commentary on the author's introduction",

Studia Arabica et Islamica. Festschrift for Ihsān 'Abbās, ed. W. al-Qādī, Beyrouth, 1981, pp. 313-22 خصوصاً 315-22.

E. Lévi-Provençal "Alāma", *EF*², I, pp. 362-63.

G. S. Colin, "Diplomatique", *EF*², II, pp. 316-17.

درباره علما نگاه کنید به:

و درباره شیوه سیاسی در غرب مسلمانان در قرون وسطی به:



دو به عنوان کاتب یاد شده است: کاتب اول و دوم. این دو در کنار هم وظایف دبیری را انجام می دادند (و کان...) کاتبی بدرالحاجب یقیمان خدمة الکتابه.^{۲۷}

در ادامه بحث راجع به دوران خلافت، دبیرخانه ای وجود داشت که مسئول ارتباط با حکومت مرکزی بود. بر مبنای اطلاعات مدون، نام این قسمت "کتابه الخاصه" بوده است.^{۲۸} در همین مورد، به نقل از ابن خلدون، تاریخ نگار تونس قرن ۸ ق/ ۱۴ م، مقامی با عنوان "کاتب مخصوص" سرپرستی این دفتر را بر عهده داشته است.^{۲۹} ولی از نحوه نامیدن این دفتر و مسئول آن به نظر می رسد که مسئولیتهای آن بیشتر متوجه مکاتبات با افراد طبقه خاصه در جامعه اسپانیایی - اموی باشد. در چنین صورتی، این دفتر مسئولیت مبادله مکاتبات بین مقامات دولتی را داشته است.

هم زمان، دفتر دیگری نیز وجود داشت که توصیف شرح وظایف آن به آسانی امکان پذیر نیست. از این دفتر با عنوان "کتابه العلیا" یا دبیرخانه عالی یاد شده است.^{۳۰} به نظر می رسد که این دفتر در مراتب اداری از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و وظایف آن را کتبات در معنای وسیع آن باید دانست. مدیریت آن با کاتب العلیا بوده است و از جمله افراد صاحب این مقام، عبدالرحمان بن بدر بن احمد، صاحب منصب عالی رتبه اسپانیایی - اموی دوران خلافت بوده است. این شخص از اختیارات و قدرت بی نظیری در اداره امور مربوط به متون اسناد بر خودار بوده است؛ بدین معنی که هر چند او لقب وزارت نداشت، اما عبدالرحمن سوم کلیه اختیارات لازم را برای تأیید اعتبار و بازبینی مکاتبات رسمی بدو تفویض نموده بود. او شخصاً قادر به تعیین صاحبان مناصب عالی (ولایت) و دادن دستور تدوین متن فرامین (سجلات) بوده است. این متون و دستورات برای ممهور شدن به خازن (الطبع) مهر، ارسال می گردید و در بازگشت، مسئولیت ارسال فرامین به استناداران و تضمین حسن اجرای فرامین را خود به عهده داشته است.^{۳۱}

بازگردیم به بحث در باب لغت "انشاء" که در مورد نوشته های اسپانیایی - اموی، باید به هنر نامه نگاری تعبیر شود. حقیقت آن است که تأثیر سبک ادبی نوشته های عصر عباسیان روز به روز بیشتر می شد و در نهایت، نوع ادبی "انشاء" به وجود آمد.^{۳۲} به تصور ما واحد اداری "کتابت" از نظر سازمانی، با واحدی که با عنوان "کاتب الرسائل" و "صاحب الرسائل" در عصر خلافت عباسیان در شرق وجود داشته، کاملاً قابل مقایسه است. در واقع به گفته عبدالله بن عبدالعزیز بغدادی در میان "پنج" دبیر در حکومت عباسیان یکی "کاتب الرسائل" است. قال بعض الکتاب ل... او کاتب الرسائل یحقق ان یكون عارفاً بالوصول والفصول حاذقاً بالصدور والفتوح والعهود... آبدین معنی که دبیری گفته است: ل... کاتبی که خازن مهر است باید هنر وصل و فصل اقسامتهای مختلف خطابه ها را داشته باشد و در امر تدوین عناوین مقدمه نامه ها و احکام انتصاب، ماهر باشد.^{۳۳}

به علاوه در میان تغییرات سازمان اداری حکومت قرطبه نشان از وجود "کتابه للوزراء" یعنی دبیرخانه وزراء یافت می شود که مدیریت آن در سال ۳۲۹ ق/ ۹۴۱ م با محمد بن عبدالعزیز بوده است.^{۳۴} مجموعه این اطلاعات، مؤید تغییرات ساختاری در سازمان اداری حکومت، توسط عبدالرحمان سوم است. در واقع علاقه خاصی به حفظ منزلت والای وزراء وجود داشته است و طبیعتاً مسئولین این مقام باید، در امر انشاء، خیرگی و بصیرت کامل داشته باشند تا واجد شرایط احراز آن باشند. بر اساس همین اطلاعات، این نظریه نیز که کاتب "در تدوین متن فرامین و اگذاری تیول، و عزل و نصب وزراء دخالت می کرده و بدین ترتیب رابط حاکم بوده است، قابل طرح است.^{۳۵}

به گفته ابن عذاری در سال ۳۰۱ ق/ ۹۱۳ م، برای پاسخگویی به نیازهای "حاجب"، دبیرخانه ای خاص وجود داشته است. در این دبیرخانه، دو نفر به نام های سکان بن ابراهیم و عمر بن تاجیت شاغل بوده اند که از هر

G. S. Colin, "Diplomatique", *EF*², II, pp. 316-17.
44. D. Sourdel. *op. cit.* (1952-54), pp. 123, 150.

۲۳. درباره کاتب الانشاء به تعبیر ابو عبدالله خوارزمی نگاه کنید به:

۲۵. المقنسی، ۵، ص ۴۷۱، ۳۵۴.

۲۶. در این زمینه نگاه کنید به:

M. Meouak, "Notes Sur le vizirat et les vizirs en al-Andalus à l'époque umayyade (milieu du II^e/VIII^e - fin du IV^e/X^e siècles)", *Studia Islamica*, LXXVIII (1993), pp. 181-90.

۲۷. المقنسی، ۵، ص ۱۰۳/۸۷، البیان، ۲، ص ۱۶۵/۲۷۵.

۲۸. درباره این دفتر به اصطلاح نامه این مقاله رجوع شود.

۲۹. المقدمه، ۲، ص ۴۸۸. اگر این اطلاعات قابل قبول باشد، این دبیر مسئول نگارش اسناد سری مربوط به امنیت کشور بوده است در این صورت باید اصطلاح کاتب مخصوص را به این تعبیر نمود که صاحب منصبی بوده است که مسئولیت های استثنایی و خاص داشته است.

۳۰. درباره این دفتر به اصطلاح نامه این مقاله رجوع شود.

E. Lévi-Provençal. *op. cit.* (1950-53), III, note 4, p. 25.

۳۱. الحد، ص ۲۵۳، که در این جا متن ابن ابار را آورده است.



این مثال علاوه بر آنکه اهمیت خاص صاحب این مقام را در میان طبقه برگزیده (خاصه) قرطبه نشان می‌دهد، بیانگر نحوه واگذاری قدرت در آن عهد نیز می‌باشد.

امور مالی در سازمان اداری حکومت قرطبه، روز به روز اهمیت بیشتری می‌یافت و اداره‌های مختلفی به منظور رسیدگی به مسائل خزانه‌داری ایجاد می‌شد.^{۵۲}

به گفته ابن حیان در سال ۳۲۸ ق/ ۹۴۰-۹۳۹ م، سرپرستی اداره‌ای به نام "کتابه الخراج" که وظیفه نگاه‌داری حسابهای مالی را به عهده داشت با محمد بن عبدالعزیز بوده است.^{۵۳} مسئول این اداره باید کاملاً با مسائل مربوط به اخذ و تقسیم مالیات و خراج آشنا باشد. محمد بن عبدالعزیز قبل از این مقام، مسئول "کتابه المحاسبه" یعنی دبیرخانه حسابداری بوده است.^{۵۴}

نظیر این اداره در دوران محمد اول در عهد امیران نیز وجود داشته است. در واقع در آن زمان اداره‌ای برای نگاه‌داری حسابهای مالی دولت وجود داشته است (صناعات الكتابه المحاسبه).^{۵۵} تشخیص اینکه این اداره توسط حکومت قرطبه ابداع شد یا به تقلید از عباسیان ایجاد گردید، آسان نیست، زیرا در اواخر قرن ۳ ق/ ۹ م، در زمان حکومت عباسیان، در شرق نیز اداره‌ای مسئول "خراج" وجود داشته است. در واقع ذکر چنین اداره‌ای در کتاب عبدالله بن عبدالعزیز بغدادی به وجود آمده است و او این اداره را در رأس پنج بخش اصلی سازمان اداری قرار داده است. "قال بعض

الکتاب: الکتاب خمسة، کاتب خراج، یحتاج أن یکون عارفاً بالتسوک والمحاسبه، خیراً بالحساب فی المقاسمات...".^{۵۶} بدین معنی که برخی از دبیران گفته‌اند: پنج نوع دبیر وجود داشته است، کاتب خراج (دبیر مالیه) که باید روشهای تعیین خراج کشت و زرع و همچنین محاسبه اجاره املاک را بداند...^{۵۷} در صبح الاعشی فی صناعة الانشاء^{۵۸} نوشته قلقشندی در مورد این قسمت از سازمان اداری توضیحات جالبی آمده است. این نویسنده قرن ۸ ق/ ۱۴ م که مقیم مصر بوده است "مقامه‌ای" در وصف نوع ادبی، انشاء "تصنیف کرده که ضمناً مدیحه بدرالدین محمد بن فضل الله، دبیر سازمان اداری مملوکیان است. بدرالدین محمد بن فضل الله در هنر محاسبه (حساب) دست کمی از هنر انشاء نداشت و قلقشندی به سبکی یا تکلف می‌گوید که داشتن مهارت در حساب به اندازه تبحر در انشاء، به تخصص نیاز دارد و به همین مناسبت این هنر جایگاه خاصی دارد.^{۵۹} البته این نوشته از چارچوب زمانی و جغرافیایی مورد مطالعه ما خارج است. ولی علاوه بر ارزش استادی، نشان دهنده اهمیتی است که به آشنایی با روشهای حسابداری داده می‌شده است، خصوصاً هنگامی که از این دانش برای اهداف حکومتی استفاده شود.

در ادامه بحث مالیه، بر اساس گفته مقرئ، همکار شرقی "کاتب الضمان" امویان اسپانیا را، "کاتب الجهید" می‌نامیده‌اند.^{۶۰} این اطلاعات از دو جهت جالب توجه است: از یک سو، از طریق متون غرب مسلمانان به اصطلاح‌های متداول در شرق دست می‌یابیم، و از سوی

۵۲ درباره مالیه در حکومت امویان اسپانیا نگاه کنید به:

E. Lévi-Provençal, *op. cit.* (1932), pp. 71-78; Id., *op. cit.*, (1950-53), III, pp. 30-46.

و درباره خزانه‌داری و درآمدهای آن به:

M. Barceló, "Un estudio sobre la estructura fiscal y procedimientos contables del emirato omeya de Córdoba (138-300/755-912) y del califato (300-366/912-976)", *Acta Historia et Archaeologia Mediaevalia*, V-VI (1984-1985), pp. 45-72.

۵۳ المقتبس، ج ۵ ص ۴۶۲/۳۴۸.

درباره خراج نگاه کنید به:

و خراج در شرق و اندلس اموی به:

و خراج در اوایل حکومت اسلامی به:

۵۴ المقتبس، ج ۵ ص ۴۶۲/۳۴۸.

درباره حساب نگاه کنید به:

۵۵ المقتبس، ۱۱، ص ۱۴۲.

۵۶ نگاه کنید به:

56. D. Sourdel, *op. cit.* (1952-54), pp. 123, 149-50.

C. E. Bosworth, "Al - KÊalkÊashandî", *E I²*, IV, pp. 531-33.

۵۷ تحقیق زیر درباره این مقاله انجام شده است:

C. E. Bosworth, "A maqâma on secretaryship: al-Qalqashandî's al-Kawâkib al-Durriyya fi l-manâqib al-Badriyya", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, XXVII (1964), pp. 291-98, خصوصاً 293-98.

W. J. Fischel, "Djhabadh", *E I²*, II, pp. 392-93.

۵۹ فتح الطیب، ۱، ص ۲۱۷. درباره مفهوم جهید نگاه کنید به:

D. Sourdel, *op. cit.* (1959-60), II, pp. 584-85. این لغت ریشه ایرانی ساسانی دارد و به معنای کارمند مالیه متخصص در امور سکه‌شناسی، جواهرشناسی، مسئول حفاظت و دریافت درآمدهای خزانه، پرداخت مقرری‌های حکومت است. درباره جهید در شرق عباسی نگاه کنید به:



این دفتر توسط کارمندان عضو دفتر اطلاعات اداره می شده است: "مخالفین علی رفع الاخبار".^{۶۳} این اطلاعات را می توان با "برید"^{۶۴} یعنی خدمات پستی مرتبط دانست؛ خدماتی که از عهد امیران، شاهد وجودشان هستیم که بعدها در قرن ۴ ق / ۱۰ م، به صورت رسمی با عنوان "خطاط البرود" تأسیس گردید. مسئول این واحد را "صاحب البرود" می نامیده اند و تعدادی دبیر، مسئول ارسال مکاتبات، با عنوان "کتاب الفرانقین" زیر نظر او انجام وظیفه می نموده اند.^{۶۵}

در پایان بررسی وظایف و امتیازات دبیران در حکومت امویان اسپانیا لازم است به چند نکته در مورد تحولی که در این زمینه، تحت تأثیر تمرکز دستگاه حکومتی ایجاد گردید، اشاره شود. گرچه به نظر می رسد وظایف "کاتب" در عهد امیران چندان روشن نباشد، ولی در قرن ۴ ق / ۱۰ م، شاهد تخصصی شدن این حرفه هستیم. توسعه دستگاه حکومتی قرطبه نیازهای روزافزون به انواع خدمات را ایجاد کرده بود.

جایگاه حقیقی دبیرخانه در حکومت مرکزی مورد تردید است. تأمل در نوشته های ا. لوی پرووانسال در مورد "کتابت"، این تصور را ایجاد می کند که در سازمان اداری آن زمان، یک دبیرخانه با تعداد بی شماری "کاتب" وجود داشته است.^{۶۶} ولی ما مجبور هستیم این تصویر را کمی تغییر دهیم و در مورد احتمال شکوفایی "کتابت" در معنای سنتی آن تأمل کنیم. در واقع ما توانسته ایم فهرست قابل توجهی از انواع دبیرخانه با وظایف متفاوت تهیه نماییم. بر مبنای شواهد بدست آمده از متون، اطلاعات ما روز آمد می شود و ما می توانیم در باب تمرکز سازمان اداری بحث نماییم.

دیگر، از جنبه تاریخی می بینیم که دبیری جهبذ در اندلس هم مقامی شناخته شده بوده است. ظاهراً صاحب این منصب به نوعی مسئول گردآوری و مدیریت درآمدها و مالیاتهای عمومی و خلاصه "بیت المال" بوده است.

در دوران خلافت، حکومت به تحکیم مبنای و ساختار نظامی خود پرداخت. هم زمان با این سازمان یابی بخشهای مختلف نظامی، شاهد ایجاد دبیرخانه ای مسئول امور "سوق الجیشی" هستیم. اصطلاح "کتابه الرأی" را به سوق الجیشی تعبیر کرده ایم، زیرا وظایف این دبیرخانه متوجه گردآوری شایعات و افکار عمومی بوده است.^{۶۷} بهتر است توضیح دقیق تری درباره این دبیرخانه بدهیم. در سال ۳۲۲ ق / ۹۳۴ م، عمر بن فرج، منصب "کاتب الرأی" یعنی دبیر سوق الجیشی یافت.^{۶۸} حقیقت آن است که حکومت قرطبه برای اجرای مقاصد توسعه طلبانه خود بر افریقای فاطمی، یعنی حکومت بر غرب "مغرب"، دفتری برای گردآوری اطلاعات ایجاد کرد. تصوری کنیم که وظیفه اصلی این دفتر، تأمین اطلاعات لازم و ارایه توصیه های ضروری در مورد مسائل مهمی مانند وضعیت نواحی مرزی و نقل و انتقالات احتمالی قوادر کشورهای مسیحی همجوار اندلس بوده است. از سوی دیگر در سال ۳۴۴ ق / ۹۵۵ م، در زمان حکومت عبدالرحمان سوم، شاهد تجدید سازمان دفاتر دولتی هستیم و می بینیم که برای رسیدگی به نامه های واصله از نواحی مرزی همجوار مسیحیان، دبیری خاص تعیین می شود.^{۶۹} مجموعه این شواهد دال بر وجود سازمانی برای دریافت اطلاعات و به زبان ساده تر، جاسوسی است. در همین رابطه ابن حوقل جغرافی دان قرن ۴ ق / ۱۰ م، به وجود چنین اداره ای اشاره دارد و می گوید

۶۰ المقیتس، ج ۵، ص ۳۵۷/۲۶۶.

۶۱ البیان، ج ۲، ص ۱۷۷/۲۸۵.

۶۲ به یادداشت ۲۶ نگاه کنید.

۶۳ صورة الارض، ج ۱، ص ۱۱۶/۱۱۵. بدون شک باید این منصب و منصب "کاتب الرأی" را با منصب "صاحب الخیر" در افریقای زمان فاطمیان مرتبط دانست

F. Dachraoui, *op. cit.* (1981), pp. 314-16. X

D. Sourdel. "Barid", *EF*, I, pp. 1077-78.

E. Lévi-Provençal. *op. cit.* (1950-53), III, pp. 28-29.

۶۵ در مورد این دبیران به اصطلاح نامه این مقاله نگاه کنید. درباره حضور چنین دبیران در شرق به:

Y. Rāgib, "Lettres de service an maître de poste d' Ašmūn", *Archéologie Islamique*, 3 (1992), pp. 5-16.

در یادداشت ۸ صفحه ۷ این مقاله آمده است که اصطلاح فرانقین از زبان ایرانی قبل از اسلام گرفته شده. در مورد این دبیران در اندلس نگاه کنید به:

E. García Gómez, "Armas, banderas, tiendas, monturas y correos en los" *Anales de al-Hakam* "por " *Isā Rāzī*."

Al-Andalus, XXXII / I (1967), pp. 163-79.

خصوصاً صفحات ۷۸-۷۶ آن، که قابل مقایسه با نظریات ابو عبدالله خوارزمی است که در مقاله زیر معرفی شده.

C. E. Bosworth, *op. cit.* (1969), pp. 141-43.

66. E. Lévi-Provençal. *op. cit.* (1950-53), III, pp. 22-29 خصوصاً 24.



گرچه شاهزاده فرمانروا در مرکز قدرت اداری قرار داشته است، چنین به نظر می‌رسد که دبیران در مورد وظایفی که به عهده داشته‌اند بیشتر تابع بخشهایی از سازمان حکومتی بوده‌اند تا حکومت مرکزی. البته دبیرخانه مسئول مکاتبات رسمی، "کتابه الرسائل"، از این قاعده مستثنی است. به عنوان مثال می‌توان به موقعیت "کتابه الرأی" اشاره نمود که در ارتباط با سازمان ادارات نظامی انجام وظیفه می‌کردند و "کتابه الخراج" که البته با سازمانهای مربوط به خراج کار می‌کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان تصور نمود که با وجود تمرکز شدید در سازمان اداری - سیاسی قرطبه، منشی‌ها دارای استقلال عمل نسبتاً قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. البته، این فرضیه‌ای است که صحت آن در پاسخ به این سوال محک می‌خورد که آیا باید مفهوم "کتابت" را به معنی واحدی منسجم و تفکیک ناشدنی دانست یا اینکه جایگاه آن را در مورد هر یک از انواع "کتابت"، به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد؟ به زبان دیگر باید از خودسئوال کنیم که ارزش استادی و هم چنین اداری اصطلاحهایی که حکایت از وجود تعدادی دبیرخانه با وظایف خاص دارد چه اندازه است؟

ارزیابی جایگاه اجتماعی و فعالیتهای سیاسی - ادبی "کتاب" در دوره بعدی، دوره ملوک الطوائفی (۱۱۱۵ م)، که سبب ایجاد نوعی ادبیات اسپانیایی - اموی گردید،

می‌تواند موضوع جالبی برای تحقیق باشد. در حقیقت در این دوران انواع ادبی "اخوانیات" و "سلطانیات" به وجود آمدند و به عنوان ابزار تبلیغاتی مورد استفاده طایفه‌های قدرتمند مانند طایفه‌های باجه‌ای، سویلی یا قرطبه‌ای قرار گرفتند.^{۶۷} با این وجود، یادآوری این نکته لازم است که گرچه این جریان ادبی در مجامع "کتاب" شکل گرفته است، ولی ملوک الطوائف که به گردآوردن نویسندگان گرد خود و رقابت در زمینه‌های علوم با یکدیگر علاقه فراوان داشتند، حمایت سازمان یافته‌ای از این جریان ادبی نموده‌اند.^{۶۸}

از زمانی که حمایت ملوک الطوائف از این جریان ادبی شروع شد، شاهد حضور شخصیت‌های "ادبی" از جمله "کتاب" در زندگی سیاسی اندلس هستیم. این چشم‌انداز که آن را "ادبی" خوانده‌ایم با آنچه در عهد حکومت امویان وجود داشته کاملاً متضاد است. زیرا در آن دوران توجه به جنبه "ادبی" نزد اکثر "کتاب" در درجه اول اهمیت قرار نداشت. با این همه نمی‌توان منکر شد که قرن ۵ ق/۱۱ م، مقطع تاریخی آغاز دخالت گروهی جدید به نام "علما" در صحنه سیاسی اندلس است. آیا این مسأله بیانگر تغییر مراکز قدرت است یا انحطاط ساختار ابتدایی حکومت امویان اسپانیا؟ باید اذعان کرد که ورود "علما" به زندگی سیاسی، سرنوشت ساز بود و منشا و مبدا تغییرات اساسی درمنش و آداب سیاسی اندلس گردید.

۶۷ J. E. Bencheikh, op. cit. (1975), p. 283.

درباره نوع ادبی اخوانیات نگاه کنید به: ۱/ صفحات ۶۷ به بعد در بخش‌هایی که به ابو عمر احمد بن دراج قشتالی.

۶۸ با مطالعه مقاله زیر می‌توان درباره طایفه باجه اطلاعاتی به دست آورد. B. Soravia "Aspetti della letteratura arabo-andalusa nel regno di Badajoz all'epoca dei mulūk al-tawā'if", *Studi Magrebini*, XXI (1989), pp. 93-123. در همین مقاله در باب انواع ادبی و نقش کتاب هم ذکری شده است.



معدل قرائسه	مآخذ	واژه عربی
Bureau du secrétariat	المقتبس، ۲، ص ۳۱	بيت الكتابة
Bureau du secrétariat et administration centrale	الحلقة، ۱، ص ۷۲	بيت الكتابة و الرياسة
Service du secrétariat	البيان، ۲، ص ۱۶۵/۲۷۵	خدمة الكتابة
Charge du secrétariat	تاريخ، ص ۸۴/۶۹	خطاط الكتابة
Bureau de rédaction des écrits officiels	المغرب، ۱، ص ۲۰۴	ديوان الانشاء
Responsable des messages officiels	تاريخ، ص ۵۴-۵۳/۵۳-۶۹، قضاة، ص ۱۳/۱۵، ۱۱۶/۱۴۲، ۱۷۹/۱۴۵، ۱۶۷/۲۵۹، المقتبس، ۵، ص ۱۴۸/۲۳۶، الحله، ۱، ص ۱۳۹	صاحب الرسائل
Service du secrétariat	الحلقة، ۱، ص ۲۵۹	صناعات الكتابة
Service du secrétariat aux affaires comptables	المقتبس، ۲، ص ۱۴۲	صناعات الكتابة الحسابية
Serviteurs des secrétaires	المقتبس، ۵، ص ۱۷۰/۱۷۰، ۱۲۰/۱۵۳، ۱۸۴/۲۲۳، ۲۳۰/۲۷۲، ۱۹۸/۲۳۹	الفتيان الكتاب
Secrétaire	Cronica Anónima, 47/144: اختيار مجموعة، ص ۱۶۰/۱۳۹، ترصيع ص ۸۱ المقتبس، ۲، ص ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۷، ۲۱۲؛ المقتبس، ۳، ص ۲، المقتبس، ۲، ص ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۷، ۲۱۲؛ المقتبس، ۳، ص ۲، ۳، ۳۵، ۳۹، ۴۴، ۸۱، المقتبس، ۵، ص ۱۰۳/۸۷، ۲۰۸/۳۰۶، ۴۰۸/۳۳۸، ۴۵۰/۳۳۸، ۴۷۳/۳۵۵؛ مفاخر، ص ۱۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۹، ۴۴، ۶۳، ۷۹، البيان، ۲، ص ۱۰۹/۱۷۵، ۱۰۷/۱۷۵، ۱۲۰/۱۹۸، ۱۴۸/۲۴۶، ۱۶۵/۲۷۵، ۱۹۹/۳۶۵، ۲۲۰/۳۶۵، ۲۵۷/۴۱۴، ۲۷۰/۴۴۹، ۲۷۶/۴۵۸؛ المغرب، ۱، ص ۵۰، ۸۰، ۲۰۴، ۲۵۲، ۳۰۷، ۳۳۰، ۳۶۵، ۴۲۴؛ المغرب، ۲، ص ۱۲، ۳۰، ۶۶، ۸۲، ۱۱۲، ۱۵۶، ۲۰۵، ۲۲۹، ۲۵۳، ۳۰۰، ۳۶۳؛ الحله، ۱، ص ۸۱، ۹۴، ۱۵۸، ۱۷۲، ۲۶۶، ۲۷۱؛ الحله، ۲، ص ۸، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۳۸، ۳۰۷، ۳۳۶، ۳۵۹، ۳۶۵	کاتب (جمع : کُتاب)
Secrétaire à la correspondance officielle	المقتبس، ۲، ص ۱۷۷ و ۱۴۲	کاتب الترسيل
Secrétaire aux finances publiques	نفع الطيب، ۱، ص ۲۱۷	کاتب الجهده
Secrétaire «privé» au service des Umayyades de Cordoue	الحلقة، ۲، ص ۱۸	کاتب الخاص



مآخذ	واژه عربی	معادل فرانسه
البيان، ٢، ص ١٧٧/٢٨٥	کاتب الرأي	Secrétaire «stratégique» au sens de chargé du renseignement
البيان، ٣، ص ٢٣، ٢٣، اعمال، ص ٩١ نفع الطيب، ١، ص ٢١٧	کاتب الرسائل	Secrétaire la correspondance officielle
نفع الطيب، ١، ص ٢١٧	کاتب الضمان	Secrétaire aux finances publiques
المقتبس، ٧، ص ٩٧/١١٤	کتاب الفرائقین	Secrétaires chargés de l'acheminement des courriers
قضاة، ص ١٦٠/١٣٠، ١٦٣/٢٠١ المقتبس، ٢، ص ١٧٠، ١٧١، ١٧٣، ١٧٤، ٢١٣، ٢١٦، ٢٢٢ المقتبس، ٥، ص ٣٢٢/٢٤٢: المغرب، ١، ص ٣٠٨، ٣٣١ المغرب ٢، ص ٣٢، ٢٠٥، ٢٧٤ الحلّة، ١، ص ١٣٦، ١٤٧، ١٦٢، ٢٣٨، ٢٥٣، ٢٥٧، ٢٥٩، ٢٧٠ الحلّة، ٢، ص ٣٠، ٢٥١، ٣٧٢، ٣٧٤: البيان، ٢، ص ١٠٧/١٧٦ ١٥٦/٢٥١، ١٥٧/٢٦٣، ١٦٧/٢٧٧، ١٦٩/٢٨١	کتابه	Secrétariat
المقتبس، ٢، ص ١٤٢	کتابه الحسابية	Secrétariat aux affaires comptables de l'état
المقتبس، ٥، ص ٤٦٢/٣٤٨	کتابه الخراج	Secrétariat aux finances publiques et aux impôts territoriaux
الحلّة، ١، ص ١٤٦، ٢٥٨ البيان، ٢، ص ١٥٩/٢٦٥، ٢٥٤/٤٢٠	کتابه الخاصة	secrétariat aux affaires de la hâssa
المقتبس، ٥، ص ٣٥٤/٢٦٦	کتابه الرأي	Secrétariat aux affaires stratégiques
المقتبس، ٧، ص ٩٢/١١٥	کتابه الطراز	Secrétariat aux ateliers de tissage de l'état
<i>Crônica Anônima, 51/119;</i> المقتبس، ٢، ص ١٤٢: المقتبس، ٥، ص ١١٠/١٣٣ الحلّة، ٢، ص ٣٧٣	کتابه العليا	Secrétariat "superieur" au sens de l'administration centrale
البيان، ٢، ص ٢٥٤/٤٢٠	کتابه العليا بالخاصه	Secrétariat "superieur" de la hâssa
المقتبس، ٥، ص ٤٦٢/٣٤٨	کتابه المحاسبة	Secrétariat aux comptes financiers de l'état
المقتبس، ٥، ص ٤٧١/٣٥٤ المغرب، ١، ص ٣٣١	کتابه للوزراء	Secrétariat des vizirs

مآخذ عربي و عناوين خلاصه شده

ابن أبار، محمد بن عبدالله. اکتاب الکتاب (اکتاب)

Edition de S. al-Aštar, Damas, 1961.

ابن أبار، محمد بن عبدالله. الحلة السیراء (الحلة)، تحقيق حسين مؤنس، قاهره، ١٩٦٣، ج ٢.
ابن خطيب، محمد بن عبدالله. أعمال الأعلام في من بويغ قبل الاحتلام من ملوك الاسلام (أعمال)، تحقيق لوى پرووانسال، بيروت، ١٩٥٦، ط ٢.

ابن بسام، على بن بسام. الذخيرة في محاسن أهل الجزيرة (الذخيرة)، تحقيق احسان عباس، بيروت ١٩٧٨-١٩٧٩، ج ٨.
ابن حوقل، محمد بن حوقل. كتاب صورة الارض يا كتاب المسالك و الممالك (صورة الارض)، تحقيق جى. ا. كرامرز، ليدن، ١٩٣٨-١٩٣٩، ج ٢.

Traduction française de J. H. Kramers et G. Wiet: Configuration de la terre. Paris-Beyroulh, 1964. 2 vols.

ابن حيان، حيان بن خلف. المقتبس (المقتبس ٥)، تحقيق ازب، شالماتا، اف. كوريات و ام. صبح، مادريد، ١٩٧٩.
Traduction espagnole de M. J. Viguera et F. Corriente: Crónica del Califa, Abdarrahmán an Násir, entre los años 912-942. (al-Muqtabao tomo V). Saragosse, 1981.

ابن حيان، حيان بن خلف. المقتبس من ابناء اهل الاندلس (المقتبس ٢)، تحقيق محمود على مكى، قاهره، ١٩٧٣، ج ٢.
ابن حيان، حيان بن خلف. المقتبس في اخبار بلاد الاندلس (المقتبس ٧)، تحقيق از ع. ر. حجي، بيروت، ١٩٦٥.

Traduction espagnol de E. Garcia Gómez: Anales Palatinos de al-Hakam por, Isâ b. Ahmad al-Râzî, Madrid, 1967.

ابن حيان، حيان بن خلف. المقتبس في تاريخ رجال اهل الاندلس (المقتبس ٣)، تحقيق از ام. مارتينز أنتونا، باريس، ١٩٣٧.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. المقدمة (مقدمه)

Traduction française de V. Monteil: Discours sur l'histoire universelle, Beyrouth. 1967. 3 vols.

ابن سعيد مغربي، على بن موسى. المغرب في حلى المغرب (المغرب)، تحقيق ش. ضيف، قاهره، ١٩٥٣-١٩٥٥، ج ٢.
ابن عبدبريه، احمد بن محمد. العقد الفريد (العقد)، تحقيق ابراهيم ابيارى... [و ديكران]، مصر، ١٩٤٠-١٩٥٧، ج ٧.
ابن عذاري، محمد بن محمد. البيان المغرب (البيان ٣)، تحقيق از لوى پرووانسال، باريس، ١٩٣٠.

Edition de E. Lévi-Provençal: Histoire de l'Espagne musulmane au XI^e Siècle. Paris, 1930.

ابن عذاري، محمد بن محمد، البيان المغرب في اختصار اخبار ملوك الاندلس و المغرب (البيان)، نشر لوى پرووانسال، ج. س. كولان، ليدن، ١٩٤٨-١٩٥١، ج ٢.

Traduction française de E. Fagnan: Histoire de l'Afrique du nord et de l'Espagne intitulée al-Bayano l-Mogrib, Alger, 1901-4, 2 vols. (Realiséca partir de l'édition de R. Dozy. Leyde, 1848-51, 2 vols.)

ابن قوطيه، محمد بن عمر. تاريخ افتتاح الاندلس (تاريخ)

Edition et traduction espagnole de J. Ribera: Historia de la Conquista de Espana de Abenelcota el Cordobés, Madrid, 1926.

اخبار مجموعه في فتح الاندلس (اخبار مجموعه)

Edition et traduction espagnole de E. Lafuente y Alcantara: Ajar machmua (colección de tradiciones). Madrid. 1867.

خشنی. كتاب قضاة بالقرطبة (قضاة)

Edition et traduction espagnole de J. Ribera : Historia de los jueces de Cordoba. Madrid, 1914.

ذكر بلاد الاندلس (ذكر)

Edition et traduction espagnole de L. Molina: Una descripción anónima de al-Andalus. Madrid, 1983. 2 vols.

عذرى. نصوص عن الاندلس من كتاب ترصيع الاخبار و تووير الاثار و البوستان فى غرايب البلدان و المسالك الى جميع الممالك. (ترصيع)، تحقيق ع. اهوانى. مدريد، 1965.
مفاخر البربر (مفاخر)

Edition de E. Lévi-Provençal: Fragments historiques sur les Berbères au Moyen-Age. Rabat, 1934.

مقرى، احمد بن محمد. نفع الطيب عن غصن الاندلس الرطيب و ذكر وزيرها لسان الدين بن الخطيب (نفع الطيب)، تحقيق احسان عباس، بيروت، 1968، ج 8.

Una Gónica Qnomima de Abd al-Ramán III al-Nasir (Gónica anonima). Edition et traduction espagnole de E. Gascia Gómez et E. Lévi-Provençal. Madrid, Grenade, 1950.

